

در امتداد تاریکی

از لحظه ای که پدر و مادر بیمارم وارد کلاتری شدند و مرا در این وضعیت دیدند، عرق شرم بر پیشانی ام نشست و آرزوی کردم کاش زمین دهان باز می کرد و مرا می بلعید چرا که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، جوان ۳۰ ساله ای که در عملیات پاک سازی فضاهای سبز و جمع آوری معادن متجاهر هنگام مصرف مواد مخدر دستگیر شده بود، با بیان این که هفته ای یک میلیون تومان «گل» (ماده مخدر) مصرف می کنم، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعات کلاتری شفاي مشهد گفت: من فرزند بزرگ خانواده بودم و قطع پیلیم در سر خودنامد اما بعد از آن ادامه تحصیل ندادم چرا که دوست داشتم زودتر وارد بازار کار شوم و مستقل زندگی کنم.

پدرم با پرایدمدل پایین مسافر کشی می کرد به سختی هزینه های زندگی را می پرداخت. در این شرایط سراغ حرفه نصب دوربین های مدار بسته رفته و خیلی زود مهارت حرفه ای را کسب کرد. مامور هموار نصیحت می کرد که در انتخاب دوست و همشین دقت کنم ولی من مشغول کار در ساختمان ها و مغازه ها بودم فقط روزهای تعطیل با دوستانم به تفریح و خوشگذرانی می رفتم. خلاصه کاروبارم خیلی خوب بود و درآمد بالایی داشتم تا این که سرو کله چندتن از دوستان دوران دبیرستان پیدا شد. من که از دیدن آن ها خوشحال شده بودم، چندبار در پارک ها و فضاهای سبز بایکدیگر قرار گذاشتیم. آن ها سیگار می کشیدند و گاهی به من تعارف می کردند. در یکی از همین روزها با «بهادر» در پارک آشنا شدیم. او با «وحید» دوست صمیمی دوران دبیرستانم رفت و آمد داشت و به قول معروف خیلی ترس بود. طولی نکشید که به پیشنهاد «بهادر» مصرف مگ و گل را هم در کنار سیگار شروع کردیم چرا که «بهادر» همواره انواع مواد مخدر را به همه اه داشت و به کسانی که نمی توانستند یا نمی خواستند مواد مصرف کنند، بر حسب «ترسو» و «یچنه نه» می زد. خلاصه زمانی به خود آمدم که مشتری ثابت پارک شده بودم و مدام «گل» مصرف می کردم اما با این جمله خودم را توجیه می کردم که من تفننی می کشم و معتاد نمی شوم!

بالاخره زمانی فهمیدم در دام مواد افیونی گرفتار شده‌ام که دیگر دیر شده بود. تازه فهمیدم «بهار» از توزیع کنندگان سابقه دار مواد مخدر است و با همین شیوه زندگی جوانان زیادی را با این ماده خانمان سوز به تباهی کشانده است. حالا دیگر از هر فرصتی برای مصرف مواد مخدر استفاده می‌کردم و این موضوع در روند نصب دوربین‌ها خلل ایجاد می‌کرد تا مدتی که آرام‌آرام همه مشتری‌ها را از دست دادم و دیگر افراد کمتری از جای من نصب دوربین می‌دادند. دست دعوت می‌کردند. در این شرایط کارم به برای یک سید که به همراه دوستانه فقط عرق پارک را هابه سرمی می‌برد و هفته‌ای یک میلیون تومان مواد مخدر مصرف می‌کرد. ام‌ا‌س‌وی دیگر به پیشنهاد یکی از دوستانم تصاویر زیادی را روی اعضای بدنم خالکوبی کردم تا خودم را فردی نترس و قلدر معرفی کنم. مادرم وقتی این خالکوبی‌ها را دید، همه آرزوهایش فروریخت. او دوست داشت من ادر لباس دامادی ببینم اما معتقد بود هیچ دختری با دیدن این خالکوبی‌ها با من از اواج‌نمی‌کند ولی من در منجلاب اعتیاد فروخ بودم و به‌اشک‌های مادرم توجهی نداشتم تا این که وقتی در پارک مشغول استعمال مواد مخدر بودیم، در محاصره نیروهای انتظامی کلانتری شفا قرار گرفتیم و دستگیر شدیم. حالا هم از دیدن پدر و مادرم عرق پشیم بر پیشانی‌ام نشسته است اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با دستور سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شقایق مشهد) تلاش پلیس برای دستگیری ساقی پارک آغاز شد و جوان معتاد نیز به‌مرکز ترک اعتیاد انتقال یافت تا شاید مسیر صحیح زندگی را پیدا کند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

«قاتل برنجی» در ادامه
اعترافات تکان دهنده خود
راز یک قتل نافرجام دیگر را در حالی فاش کرد که
طعمه ۳۲ ساله‌ی وی به طرز عجیبی از چنگ مرگ
گریخته است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن جوانی که مادر و خواهرش طعمه «قتل‌های برنجی» شده‌اند، درباره ماجرای قتل نافر جام خود به کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد گفت: مدتی بعد از آن که مادرم در آبان سال ۱۴۰۰ بر اثر عوارض ناشی از مسمومیت دارویی جان خود را از دست داد، من هم دچار نوعی بیماری زنانگی شدم و حال‌م خوب نبود؛ به همین خاطر نزد پزشک رفتم و داروهای تجویزی او را مصرف می‌کردم اما در این میان «مهران» را قاتل «برنجی» که شوهر خواهرم بود، مدام اصرار می‌کرد تا از قرص‌های چرک خشک‌کن (آنتی بیوتیک) استفاده کنم. او شخصیتی داشت که وقتی روی موضوعی متمرکز می‌شد، آن قدر با اعصاب طرف

مقابل بازی می کرد تا به هدفش برسد و خواسته اش اجرا شود. به قول معروف خیلی روی اعصاب بود به همین خاطر هم برای مصرف کپسول چرک خشک کن اصرار می کرد که بالاخره پذیرفتم و او طوری کپسول را از درون خشاب قرص بیرون کشید که به هیچ وجه مشکوک نشدم؛ اما زمانی که قرص را مصرف کردم گویی موبیگ

کللی - با اقدامات نیروهای پلیس آگاهی، ۷ سارق را گیر با کشف ۳۶ فقره سرقت قطعات خودرو، طلا و نین همراه دستگیر شدند.

گزارش خراسان، فرمانده انتظامی سیرجان بیان داد: به دنبال افزایش وقوع سرقت به عنف همراه با سرقت قطعات خودرو، طلا و گوشی تلفن و زورگیری مردموزن های جوان، در ۶ کیلومتری محور سیرجان

- کرمان نیروهای پلیس آگاهی با انجام اقدامات تخصصی و بررسی‌های میدانی ۷ متهم مرتبط در این سرقت‌ها را شناسایی کردند و به آنان در ۴ عملیات غافلگیرانه دست‌بند قانون زدند و دو خودرو از آنان را توقیف کردند.

سرهنگ جواد خواجه پور افزود: این سارقان در مواجهه با اسناد و مدارک موجود به ۳۶ فقره سرقت به

عنف تلفن همراه و طلا از مردان و زنان جوان به صورت آزار و اذیت آنان، تهدید و زورگیری با چاقو به ارزش بیش از ۷ میلیارد ریال اعتراف کردند.

وی گفت: در ادامه تعدادی از اقلام سرقتی شامل قطعات و لوازم خودرو، موبایل، وجوه نقد و مقادیری طلا کشف و تحویل مالباختگان شد.

این مسئول انتظامی با اشاره به این که تعدادی از

[illegible]